

بررسی چالش‌های احراز عنف در مرحله تحقیق و کشف جرم جنسی

با در نظر گرفتن روبه‌های قضایی در پرونده‌های کیفری شهرستان‌های گرمسار و ایوانکی

حمیدرضا قزوینی، دکترای فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد نجف‌آباد

دکتر سید محمد کیکاوسی، استاد گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه یادگار امام خمینی (ره) شهرری

دکتر عارفه فیضی اقدس، استاد فقه و حقوق موسسه آموزش عالی رشدیه تبریز

مارال جعفری قاضی جهانی، کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه یادگار امام خمینی (ره) شهرری

چکیده

امروزه جرایم جنسی که نوع شدید و پیچیده آن تحت عنوان تجاوز به عنف شناخته می‌شود، فصل مهمی از قوانین کیفری را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، با عنایت به گستردگی شهرنشینی و انتقال آسیب‌های اجتماعی از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچکتر، واکاوی جرم تجاوز به عنف و چالش‌های برخورد و مواجهه با آن ضرورت یافته است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ضابطین، دستگاه قضایی و بزه دیدگان در مراحل کشف جرم و تحقیق جرایم جنسی به عنف می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، مطالعه توصیفی، اسنادی و تحلیلی بوده و رویکرد حاکم بر آن از نوع پیمایشی و با استفاده از داده‌های میدانی برگرفته از تکمیل و مصاحبه هدفمند با تعداد ۱۰۵ نفر از شاکیان و نیز قضات و ضابطین پرونده ایشان در شهرستان‌های گرمسار و ایوانکی است که در قالب ۸۸ پرونده کیفری مورد رسیدگی دادسرا و دادگاه کیفری یک و دو شهرستان گرمسار و دادگاه بخش ایوانکی قرار گرفته است. همچنین پژوهش‌های صورت گرفته هم‌سو و نیز آرای دادگاه و دادسرای دیگر شهرها در موارد مشابه مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که شش چالش عمده برای احراز عنف در مراحل تحقیق و رسیدگی به شکایات با موضوع جرایم جنسی مطرح می‌باشد که پس از جمع‌آوری نظریات و تحلیل محتوا دسته‌بندی شده است. پرداختن صحیح به مؤلفه‌های شناسایی شده با رویکرد تدقیق در فرآیندهای کشف جرم، موجب کاهش مدت زمان رسیدگی و دقت در تحقیقات توسط ضابطین و در نهایت موجب تسریع در رسیدگی و صدور حکم عادلانه خواهد شد.

واژگان کلیدی: عنف، تجاوز، جرایم جنسی، ادله اثبات، حقوق کیفری

درآمد

جرایم جنسی به عنف در زمره جرایمی هستند که به دلیل رخداد آن در محیط‌های فاقد شاهد، به راحتی قابل اثبات نبوده و روش‌های تحقیق و کشف جرم ویژه‌ای را می‌طلبد؛ به خصوص آنکه متجاوز جنسی اغلب شخص به ظاهر موجه و دارای شخصیت و جایگاه اجتماعی مناسب است. تنها تفاوت اساسی او با سایر افراد جامعه این است که دیگران برای امیال جنسی خود، راه پذیرفته شده و متعارفی را می‌پیمایند، ولی متجاوز جنسی، ملاحظات اخلاقی و قانونی را نادیده گرفته و حریم عنف را هتک و نقض می‌کند.

تجاوز جنسی، جرمی خشونت‌زا است که به صورت معمول، گزارش آن در مقایسه با سایر بزه‌کاری‌ها کمتر و ناقص‌تر بوده و درعین حال، در مقایسه با سایر بزه‌کاری‌ها، از رشد سریع‌تری برخوردار است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۲۱۵).

جرایم جنسی دارای ماهیتی پنهان و پوشیده است. آسیب روحی و روانی قربانیان تجاوز به عنف در این است که علاوه بر تحمل بازخورد منفی ناشی از جرم، همواره این احتمال را می‌دهند که پس از افشای واقعه، از سوی جامعه و خانواده و حتی نزدیکان خود سرزنش یا طرد شوند و به آنان به عنوان یک فرد منحرف نگریسته شود. همچنین برخی از بزه‌دیدگان به دلیل پنهان بودن این نوع جرم، تمایلی برای طرح شکایت در دادگاه یا دادسرا را ندارند، شاید بدان دلیل که ناتوان از نحوه اثبات جرم واقع شده هستند. چه‌بسا از نظر ضابطین و قضات رسیدگی کننده نیز مهم‌ترین چالش در رسیدگی به این‌گونه جرایم نحوه احراز عنف از سوی مشتکی‌عنه و تمایز آن با برقراری رابطه جنسی از روی رضایت باشد؛ همان‌طور که این نکته از تحقیق‌های به عمل آمده برمی‌آید (دیانتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸، ۷۰، ۱۴۳-۱۷۸؛ ناهیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷، ۴، ۳۱۱-۳۱۸؛ حسینی، ۱۴۰۲: ۴، ۴۵، ۲۹-۵۶). علاوه بر آن، مجرمان این‌گونه جرایم ممکن است از نظر سایر متغیرهای روان‌شناختی دارای خصوصیتی باشند که آنها را از سایر بزه‌کاران جرایم خشن متمایز می‌سازد. از میان پرونده‌های تشکیل شده، بنا به تحقیق میدانی پژوهش‌گر بر روی پرونده‌های کیفری در جریان یا به تازگی مختومه شده در شهرستان‌های گرمسار و ایوانکی چنین به دست آمده که برخی از شاکیان، جرم جنسی را از روی اجبار و اکراه ناشی از تهدید متجاوز به مرگ و جرح تجربه نموده‌اند. تعداد زیادی نیز تحت فریب، دروغ و حيله شخص متجاوز با عناوین ازدواج در آینده، تهدید به قطع ارتباط، تهدید به پخش شایعات کذب و یا انتشار فیلم‌های خصوصی، مجبور به برقراری رابطه جنسی با متجاوز شده‌اند. تعدادی نیز با روش‌های خشونت‌آمیز و تحت تأثیر به‌کارگیری اسلحه سرد یا گرم توسط متجاوز وادار به هتک حرمت شده‌اند. گروهی نیز توسط احدی از آشنایان مورد اعتماد خود مورد بزه جنسی به عنف قرار گرفته‌اند. بررسی داده‌های میدانی پژوهش حاضر و سایر تحقیق‌های صورت گرفته توسط پژوهش‌گران نشان می‌دهد که برخی از قربانیان به دلیل موقعیت شغلی و نیاز مالی و نیاز به شغل و درآمد در مقابل تجاوز کارفرمایان و مدیران خود به‌ویژه در محیط شرکت‌های خصوصی سکوت نموده‌اند و شکایتی از سوی ایشان مطرح نگردیده است. سایر قربانیان نیز دختران و زنانی هستند که به ایشان زنان خیابانی و فراری از خانه اطلاق می‌شود که از سوی آنها نیز به دلیل وضعیت اخلاقی و یا سوابق کیفری گزارشی مطرح نگردیده و در اکثر این موارد، گزارش از سوی مرجع انتظامی و با توجه به اطلاعات واصله به آن مرجع، پرونده تشکیل و به دادگاه ارجاع گردیده است.

۱- مفهوم شناسی

در لغت‌نامه دهخدا، مقابل کلمه خشونت، معانی درشتی و زبری، غضب و خشم، حقارت و اهانت آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷، ۲۳۳) درواقع خشونت به معنای وارد کردن صدمه‌های وخیم به دیگری و استفاده ناب‌جا از نیروی جسمانی تعریف شده است و قتل و تجاوزهای جنسی و مثل آن را شامل می‌شود. حال اگر رفتارهای فوق مبتنی بر جنسیت باشد، تعبیر به خشونت جنسی می‌شود (ناظم‌الاطباء، ۱۳۴۳: ۱۱۸). در متون حقوقی رفتار جنسی می‌تواند به صورت عنف یا بدون عنف صورت گیرد؛ به همین دلیل احتیاج به فصل ممیز دیگری است تا تعریف دقیق‌تری از خشونت جنسی به دست آید و آن توجه به مسئله عنف است (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۲، ۱). عنف را ضد رفق شمرده‌اند. رفق به معنای مدارا و لطافت در انجام افعال است (دهخدا: ۱۳۷۷:

۱۱، ۲۸۳). با توجه به این معنا، به‌خوبی می‌توان زور و قهر و غلبه را در رفتار فاعل مشاهده کرد. به همین دلیل، زمانی که گفته می‌شود فلانی کاری را به عنف انجام داد؛ یعنی به زور و غلبه انجام داد (فراهیدی، ۱۳۸۳: ۱۳۸). بر این اساس اصطلاح عنف نشان دهنده وجود عنصر خشونت، زور، اجبار، اکراه و عدم تمایل بزه‌دیده می‌باشد (داسگوپتا، ترجمه، ۱۳۸۹: ۷۸). در عبارات قدمای فقها، عنف همراه با عنوان غضب آمده است که ریشه در احادیث اسلامی دارد؛ ولی با توجه به مفهوم و تعریف غضب، تصاحب عدوانی مال با غضب منافع و بضع متفاوت است. از این‌رو، لحاظ قرار دادن یا ندادن قید قهر و غلبه در معنای غضب حائز اهمیت است. به هر حال منظور از قهری بودن غضب این است که رفتار ارتكابی بدون رضایت زیان‌دیده و به شکل اعمال زور و چیرگی از سوی یک عامل قاهر صورت گیرد (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۹۸). فقهای متقدم همچون سید مرتضی و شیخ مفید به پیروی از روایات تشیع، از موارد و مصادیق غضب، مسئله زنا را در نظر گرفته‌اند با این بیان که زانی غاصب در فرج زن است (شیخ مفید، ۱۳۶۸: ۷۷۴؛ سید مرتضی، ۱۳۹۸: ۴۴۲)؛ البته تعبیر فقها در طول زمان دست‌خوش تغییر شده و برخی از فقهای متأخر و عموم معاصر ایشان، از تعبیر اکراه برای عنف استفاده نموده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۱۷۹؛ خمینی، ۱۳۶۸: ۲، ۱۸۵). به نظر می‌رسد استفاده فقهای متأخر از واژه اکراه برای بیان عنف بدان جهت بوده که از نظر عرف تحقق زنا ی عنفی نوعاً با تهدید و اکراه محقق می‌شود (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۷۶)؛ لذا زمانی که فردی صرفاً به این دلیل در برابر پیشنهاد رابطه جنسی تسلیم شده که به لحاظ جسمی شدیداً تحت اختیار پیشنهاد دهنده قرار داشته و هرگونه مقاومتی را از وی سلب نموده است، تردیدی نمی‌توان کرد که این تسلیم شدن به دلیل اکراه و از روی عنف بوده است (توجهی، ۱۳۷۷: ۳۲۵).

۱-۱- پیشینه تحقیق

با توجه به تغییر ساختار جامعه و افزایش بزه و جرم، مسئله تجاوز به عنف به عنوان یکی از مهم‌ترین بحران‌های اجتماعی و کیفری است که قربانیان خفا و آشکار آن رو به افزایش بوده و همواره دغدغه نهادهای قضایی است. اهمیت این موضوع، توجه صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون از جمله حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان را به بررسی و واکاوی بیش از پیش به خود جلب نموده است تا جایی که به تناسب هر حوزه، نه به صورت مدون، بلکه جسته و گریخته، پژوهش‌های نظری و گاهی میدانی را در این زمینه به دنبال داشته است. با این حال، می‌توان گفت در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته، اشکال‌ها و نواقصی وجود دارد؛ چه اینکه در این‌گونه پژوهش‌ها، صرفاً از حیث نظری به موضوع عنف پرداخته‌اند و از برخی منابع تتبع شده است؛ دوم، در برخی از موارد، در بیان مصادیق عنف به وضعیت بزه دیده توجه نشده است و سوم، چالش‌های موجود برای شناسایی عنف و مؤلفه‌های مورد مطالعه در نوشتارها، مورد واکاوی قرار نگرفته‌اند. به عنوان نمونه، در پژوهشی با عنوان «دادرسی اختصاری در جرایم جنسی (چالش‌ها و راهکارها)» (رستمی و قربان‌پور، ۱۳۹۹) به این موضوع پرداخته‌اند که تجویز دادرسی مستقیم در جرم‌های جنسی، چالش‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای فراروی کنشگران عدالت کیفری قرار داده که به اختلاف صلاحیت‌های مکرر میان مراجع قضایی، دلسردی بزه‌دیدگان، تشدید حس بزه‌دیدگی، عدم تعقیب منسجم متهمان و اطاله دادرسی دامن می‌زند. در پژوهشی با عنوان «تعدی جنسی به بیهوش؛ نقد ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲» (حدادی، ۱۳۹۲) به این موضوع پرداخته است که

رابطه تقابلی میان دو مفهوم رضایت و بی‌هوشی تقابل ملکه و عدم ملکه می‌باشد، به‌گونه‌ای که مفهوم بی‌هوشی اساساً شأن ملکه رضایت را ندارد و عدم ملکه رضایت نیز در آن صادق نمی‌باشد. بر همین اساس، در مورد فرد بی‌هوش، موضوع غصب و عدم غصب قابل‌طرح نیست؛ چراکه در مفهوم غصب، عنصر رضایت و عدم آن صادق است؛ بنابراین تمامی تعدی‌های منجر شده به بی‌هوشی، به‌طور مطلق از موضوع عنف خارج می‌گردد. در پژوهشی با عنوان «جوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات» (توجهی و توکل پور، ۱۳۹۰) به این موضوع پرداخته است که یکی از مسائل مطرح در شیوه اثبات زنا، نادیده گرفتن حقوق بزه‌دیده در جرم تجاوز جنسی است؛ چراکه شارع به دلیل مصالحی که در زندگی بشر وجود دارد، اثبات جرم زنا را بسیار سخت کرده است. بر این اساس، این شائبه وجود دارد که حقوق شخصی که به عنف مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است، تضییع شود.

۱-۲- بیان مسئله (چالش و محدودیت‌های اثبات دعوی)

انواع مختلفی از جرم زنا وجود دارد که شامل زنا با محارم نسبی، زنا محصن، زنا غیر محصن و زنا به عنف و اکراه می‌شود. تفاوت اصلی بین زنا با زنا به عنف این است که در جرم زنا، دو طرف برای انجام رابطه جنسی رضایت دارند، ولی در جرم زنا به عنف، معمولاً زن به اکراه و اجبار این عمل را انجام می‌دهد. قسم اخیر، از مهم‌ترین فصول مجازات اسلامی است و قانون‌گذار به دلیل اینکه ماهیت تجاوز جنسی برخلاف ارزش اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است، مجازات شدیدی را برای آن در نظر گرفته است.

در پرونده‌های کیفری مرتبط با موضوع زنا به عنف، اثبات ادعای شاکی از طریق ارائه ادله به روش‌های مختلف انجام می‌شود. هر یک از این روش‌ها، احکام مخصوص خود را دارند و ممکن است در دعوی خاص مورد استفاده قرار گیرند. نحوه اثبات جرم تجاوز به عنف در دادگاه با ارائه اسنادی چون شهادت دو شاهد مرد، اقرار مرتکب و علم قاضی است. البته دو مورد نخست، به دلیل وجود قیود فراوانی که از سوی قانون‌گذار مقرر شده، بر توان اثباتی جرم تأثیر گذاشته است. گواهی پزشکی قانونی، گزارش ضابطان قضایی یا پلیس، فیلم یا تصاویر ضبط شده از محل وقوع جرم و یا شواهدی دال بر آثار ضرب و جرح در قربانی، مستندات دیگری بر اثبات این جرم هستند.

اهمیت شناخت اثبات جرم زنا به عنف از این حیث است که امروزه بسیاری از زنان و دختران، قربانی این جرم می‌شوند و شخص با آگاهی از نحوه اثبات جرم زنا به عنف، می‌تواند از متجاوز شکایت کند؛ زیرا در این زمینه، روش‌های مختلفی وجود دارد و شناخت و اطلاع از آن ضروری است. با این حال، در صورت فقدان شهود، عدم علم قاضی و یا عدم دستیابی به سایر شواهد و مستندات بر وقوع هتک عنف، اثبات دعوی آن را با محدودیت روبه‌رو می‌سازد.

در ادامه به برخی از این چالش‌ها و محدودیت‌ها اشاره می‌شود.

۲- چالش عهده‌داری بار اثبات

بار اثبات عنف از جمله چالش‌هایی است که بزه‌دیده جرایم جنسی با آن مواجه است. بر این اساس، طبق قاعده کلی، مدعی باید بار اثبات را بر دوش بگیرد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، بسیاری از قربانیان تجاوز جنسی

در بدو شکایت و مرحله تحقیق، برای اثبات ادعای خود با محدودیت مواجه بوده و گاهی فاقد هرگونه شواهد و مستندات هستند. این در حالی است که اصولاً اثبات این جرم، به خودی خود دشوار است، چراکه این گونه جرایم در ملأعام نبوده و اغلب در خلوت رخ می‌دهد. اگرچه بر فرض برائت، متهم تکلیفی به اثبات بی‌گناهی خود ندارد (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۵)، لیکن در امور کیفری، اثبات وقایعی مطرح است که تحقق آنها از پیش معلوم نبوده و کسی در صدد تهیه دلیل اثبات آن نیز برنیامده است (خالقی، ۱۳۸۸: ۴۰).

البته آنچه حائز اهمیت است، مسئولیت و وظیفه اثبات ادعا است، نه صرف دلیل. در این خصوص، برخی از حقوق دانان بر این عقیده هستند که اگر جرم واقع شده جنبه عمومی داشته، تکلیف اثبات متوجه مقام تعقیب است و در صورتی که جرم جنبه خصوصی داشته باشد، اثبات آن بر عهده شاکی است (منصورآبادی، ۱۳۹۲: ۳۵۹). البته در مقابل، گروهی از صاحب نظران مخالفت نموده و بر این نظرند که حتی در جرایم با جنبه شخصی، بار اثبات بر عهده دادستان و ضابطین قضایی است (آزمایش، ۱۳۸۴: ۹۶).

بر اساس ارزیابی‌های میدانی در تحقیق‌های صورت گرفته پرونده‌های مطروحه، بسیاری از شاکیان جرایم جنسی به عنف، در مرحله تحقیق در برابر درخواست ارائه مستندات و ادله، حیران بوده‌اند. این نتیجه در بررسی‌های پژوهش‌گران تحقیق حاضر نیز قابل توجه بوده است. در واقع، ۷۲ نفر از شاکیان (حدود ۶۹ درصد) در دو شهرستان گرمسار و ایوانکی با این چالش روبه‌رو بوده‌اند. به‌ویژه آنکه قربانیان تجاوز در اثر تعدی جنسی از نظر روحی آسیب‌دیده بودند و مرور واقعه و ارائه مستندات به دادگاه برای ایشان بسیار سخت و غیرقابل تحمل بوده است.

در یکی از پژوهش‌های اخیر که بر اساس مطالعه ۱۰۰ پرونده کیفری تجاوز به عنف در شهر تهران صورت پذیرفته، محقق به برآیند در خور توجهی دست یافته است. بنا بر داده‌های آماری تحقیق، حدود ۹۵ درصد از بزه‌دیدگان عنف، با شخص بزهکار سابقه‌آشنایی داشته‌اند و در این میان نیز دلایل انکارناپذیری مبنی بر وقوع آمیزش نیز وجود داشته است، اما بزهکار با پذیرش انجام آمیزش، مدعی آن است که شاکی با رضایت خود اقدام به این امر نموده است (مالجو، ۱۳۹۸: ۳۴، ۱، ۸۳-۱۴۴). هرچند بررسی این ادعا توسط مقام تعقیب، موضوعی مجزا بوده و ضرورت مستقل دارد، اما با توجه به اینکه دادستان مدعی است که متهم با ارتکاب عمل ممنوعه قانون جزایی را نقض کرده، پس باید نه‌تنها عناصر تشکیل‌دهنده جرم را اثبات نماید، بلکه باید بی‌اعتباری دفاعیات و ایرادات متهم را نیز اثبات نماید. آنچه سبب گردیده که در برخی پرونده‌های کیفری عنف، بار اثبات بر عهده شاکی قرار بگیرد، تکیه به دلایل سنتی جهت اثبات عنف است (خمسه، ۱۴۰۲: ۳۶، ۶، ۱۵۹-۱۹۰). بررسی این چالش از دیدگاه قضات و ضابطین قابل توجه است. نیمی از قضات و ضابطین موضوع تحقیق معتقدند که بررسی جانبدارانه و افراطی از شکایت زنان علیه مردان و متهم کردن مردان به تجاوز، هتک ناموس و غیره، می‌تواند بسیار مشکل‌ساز باشد؛ چراکه برخی از زنان که دچار اختلال‌های شخصیتی و عدم تعادل روانی و یا سوابق کیفری جنسی هستند و از عقده‌ها و تعارض‌های جنسی رنج می‌برند، به قصد محکوم کردن مردان در دادگاه و شکنجه روانی و جسمی آنها یا به قصد اخاذی، چنین شکایت‌هایی را تسلیم می‌نمایند (خمسه، ۱۴۰۲: ۳۶، ۶، ۱۵۹-۱۹۰؛ جویان، ۱۳۹۴: ۲، ۶، ۸۴-۹۶).

بر اساس آرای به دست آمده از دیوان عالی کشور، رویه تعدادی از قضات و ضابطین رسیدگی کننده در این گونه جرایم بر این است که در مواردی که شاکی با متهم دارای سابقه آشنایی بوده، بار اثبات شکایت بر عهده شاکی است؛ چراکه وی با تمایل خود با متهم رفت و آمد و معاشرت داشته است؛ اما در زمانی که ادعای عنف در خصوص شخص ناآشنا مطرح می‌گردد بار اثبات بر عهده مقام تعقیب است. رویه سایر قضات نیز بر این منوال بوده که در هر حال عهده‌داری بار اثبات، با توجه به نوع و اهمیت جرم بر عهده مقام تعقیب است (معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات کشور، ۱۴۰۲: ۱۳۰-۱۶۸).

۲-۱- چالش تفسیر رضایت

یکی از اوصافی که ملازمه مستقیم با احراز عنف دارد و مرجع تحقیق موظف است که آن را مورد بررسی قرار دهد، وضعیت رضایت بزه‌دیده نسبت به عمل جنسی به خصوص در مواردی که بزه‌کار یا بزه‌دیده آشنایی قبلی داشته است، می‌باشد. نحوه تفسیر و بررسی عنصر رضایت در این گونه جرایم، به عنوان یک چالش جدی در مراحل تحقیق و رسیدگی در پرونده‌ها به شمار رفته که البته خود به بخش‌های متعددی تقسیم می‌گردد. نخستین بخش از این محدودیت، به نحوه کشف عنصر رضایت و طرح این مسئله است که عنصر رضایت را می‌بایست در ذهن چه کسی جستجو نمود؟ قصد و نیت چه شخصی ملاک عمل قرار دارد و نیز از چه کسی باید تحقیق شود؟ اگرچه برخی از صاحب‌نظران، برای احراز رضایت، بررسی وضعیت ذهنی بزه‌کار را ضرورت می‌دانند؛ چراکه افراد ممکن است در حالت عادی بدون اینکه گمان مورد تجاوز واقع شدن به ذهن‌شان خطور کند، مشغول به انجام فعالیت‌های روزمره خود باشند که در این صورت، نمی‌توان گفت که رضایت یا عدم رضایت به تماس شهوانی در ذهن آنها شکل گرفته یا خیر؟ حال چنانچه در این شرایط، فردی بی‌مهابا به شخصی تجاوز کند، این فقدان رضایت، ابتدا در ذهن مرتکب شکل گرفته و آنگاه که در لحظه اقدام از ذهن او خارج می‌شود، به ذهن بزه‌دیده وارد خواهد شد؛ بنابراین با تحقیق بازپرس از وی در خصوص وضعیت و حالات روحی و ذهنی وی در زمان ارتکاب، می‌توان به قصد وی بر این عمل و فقدان رضایت از طرف دیگر پی برد (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۵۲)؛ اما این فرض، زمانی با مشکل مواجه می‌شود که رفتار و اقدامات اولیه بزه‌دیده، حاکی از رضایت به عمل جنسی باشد. اگر صرفاً اعتبار ذهنی شاکی به رسمیت شناخته شود، به این معنا است که مرجع تحقیق احتمال اولیه‌ای را بنا نهاده که شاکی ممکن است نسبت به رابطه جنسی رضایت داشته باشد که این احتمال، در صورتی که رابطه در حالت اجبار صورت گرفته باشد، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ علاوه بر اینکه قرار دادن ملاک رضایت در ذهن بزه‌دیده، در اکثر موارد به براءت بزه‌کار منجر می‌شود. چراکه برخی از رویه‌های قضایی بر این پایه استوارند که وقتی شاکی با میل و رغبت خود به خانه یا مراسم خاص متهم پا گذاشته، فرض عدم رضایت، سخت به نظر می‌رسد. به همین دلیل، بسیاری از حقوق‌دانان حوزه قضایی، معتقدند صرف حضور قربانی با میل خود در محل وقوع جرم، در صورت فقدان حيله و فریب، دلالت بر رضایت به عمل جنسی دارد و عنوان عنف قابل انتساب نمی‌باشد. بر اساس تحقیق میدانی پژوهشگران تحقیق حاضر از پرونده‌های مطروح در دو شهرستان گرمسار و ایوانکی، در برخی از آرای صادره، این نکته لحاظ شده است. در مواردی که بزه‌دیده با رضایت خود سوار خودروی بزه‌کار شده و یا وارد منزل او می‌شود و شخص مقابل، به وی تعرض جنسی می‌نماید، این رضایت اولیه

به ورود به داخل خودرو یا منزل یا برقراری مکالمه‌های تلفنی پیش از حادثه با یکدیگر، نزد دادگاه به رضایت بر عمل جنسی تفسیر شده و بدون اینکه قصد مرتکب مورد توجه و بررسی قرار گیرد، حکم برائت از تجاوز به عنف برای متهم صادر گردیده است. برخی از قضات تحقیق نیز بر این عقیده بودند که جرم زنا، اگرچه منسوب به بزه‌دیده است، اما برای احراز وجود یا فقدان رضایت، صرفاً نمی‌توان در خصوص بزه‌دیده تحقیق نمود، بلکه بخشی از این تحقیق می‌بایست از بزهکار صورت بگیرد. لذا احراز فقدان رضایت، نیازمند بررسی و تحقیق دوجانبه از بزه‌دیده و بزهکار است؛ مؤید این سخن، برآیندی است که در تحقیقی که بر محور بزه‌دیدگی زنان در جرایم تجاوز به عنف با بررسی آرای قضایی شهر تهران در سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳ انجام پذیرفته، مشهود است (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

محدودیت دیگری که در خصوص تفسیر رضایت قربانی وجود دارد، ناظر به مواردی است که بزه‌دیده در زمان وقوع عمل جنسی، به دلیل مصرف مشروبات الکلی یا مواد مخدر روان‌گردان، فاقد شعور، اختیار و اراده است. یکی از حقوق‌دانان معاصر در این باره می‌نویسد: «زمانی که شخص خود را در شرایط ناآگاهی و فقدان اختیار قرار می‌دهد و در معرض مفسده قرار می‌گیرد، سبب بروز افعال مباشر خواهد بود. مصداق این امر، زن یا دختری است که آزادانه در یک مهمانی مختلط شرکت نموده و اقدام به نوشیدن مقدار زیادی مشروب الکلی نماید، در حقیقت، خود را تسلیم حوادث احتمالی کرده است. به همین دلیل، برقراری رابطه جنسی با این فرد در حالت مستی، نمی‌تواند عنوان تجاوز به عنف را داشته باشد؛ زیرا این شخص با اقدام نخست خود که با اراده انجام داده، به اقدامات بعدی افراد حاضر در مهمانی اعتبار ذهنی داده است. ولیکن در صورتی که بزه‌دیده در زمان تسلیم شدن به رابطه جنسی، مست بوده یا فریب خورده باشد، رضایت ظاهری وی به انجام عمل جنسی را نمی‌تواند یک رضایت واقعی دانست (شهری، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

البته در خصوص تعلق عنوان عنف به این موضوع، میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان تعدد آرا را در سه دیدگاه عمده دسته‌بندی نمود. در دیدگاه نخست، زنا با بیهوش در حکم عنف است. در این خصوص، تفاوتی نمی‌کند که زانی عامل بیهوش کردن باشد یا خیر؟ (زراعت، ۱۳۹۲: ۷۸). طبق دیدگاه دوم، در هیچ‌یک از موارد، چه زانی، عامل بی‌هوش کردن باشد و چه نباشد، عنف محقق نیست (کارخیران، ۱۳۹۲: ۱۰۴؛ گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۲۵۲)؛ و وفق دیدگاه سوم، میان حالات زانی و زانیه تفاوت وجود دارد. تنها در صورتی که زانی بدون تمایل زن، عامل بیهوش کردن وی باشد، عنف صادق است (حدادی، ۱۳۹۲: ۲، ۲، ۹۷-۷۸).

در همین خصوص، دیدگاه قانون‌گذار به گونه‌ای است که مستی را همانند خواب و بیهوشی قلمداد کرده است. از نظر قانون مجازات اسلامی که در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ بر آن تأکید شده، مستی اختیاری با اجباری تفاوتی ندارند، بلکه مهم آن است که پیش از مستی زن، مرتکب از قربانی، تن دادن به رابطه جنسی را خواسته و قربانی نیز آن را رد کرده باشد. طبق این تبصره، رضایت و عدم رضایت در شخص بیهوش قابل تصور بوده و تجاوز به مؤنث بیهوش، در صورت عدم رضایت، در حکم زانی به عنف است. همچنین صرف عدم رضایت باعث می‌شود که عمل متجاوز، عنف محسوب شود و دیگر به وجود قهر و غلبه نیازی نیست (برهانی و دادجو، ۱۳۹۶: ۱۴۷). به

ظاهر، قانون‌گذار به صرف وجود رضایت یا عدم آن اکتفا کرده و از سایر قیود، نظیر چگونگی بیهوشی و یا مست نمودن صرف‌نظر نموده است؛ اما همان‌گونه که معنای اعتصاب انجام عمل زنا با زور و قهر و غلبه بر زن بیان شد، این موضوع در مورد فردی صادق است که زنی را به قصد زنا بیهوش می‌کند؛ زیرا از منظر عرفی و وجدانی، عنوان غصب بر چنین فردی صادق است. به بیان دیگر، در تحقق غصب، اعمال زور بر فرد اهمیت دارد؛ خواه مغلوب در حال مغلوب شدن، عالم به مغلوب شدن باشد یا نباشد. مؤید صدق عنوان غصب در این مورد، در مصداقی است که زانی به قصد زنا مزنی بها (زنان شونده) را می‌کشد و سپس با وی زنا می‌کند که در این حالت، در عرف بودن این وضعیت تردیدی وجود ندارد، لذا ماهیت عمل زانی اهمیت داشته که با فرض فقدان اراده و علم بزهرکار بر بیهوشی یا مستی و به دلیل ماهیت زورگویانه و قاهرانه زانی، این عمل نزد عرف، عرف شناخته می‌شود (توجهی و توکلپور، ۱۳۹۰: ۱۲، ۲، ۱۰۱-۱۳۲)؛ بنابراین زمانی که بزهرکار بدون اختیار بزه‌دیده و با اجبار یا به قصد فریب، وی را مست یا بیهوش و یا دچار اختلال ذهنی می‌کند و سپس اقدام به مقاربت جنسی با او می‌کند، موضوع تعدی باید جزو قیود عرف بودن قرار گیرد. از میان پرونده‌های مطروحه در شهرستان‌های مورد نظر در این مقاله، پژوهشگران با سه مورد مشابه اقدام به تجاوز بر اساس فریب و نوشاندن مشروبات یا گاز بیهوش کننده مواجه بودند که رویه قضایی، تعدی را به منزله عرف تلقی نموده و حکم صادر نموده است.

اما چالش و محدودیت دیگر، ناظر به موردی است که بزهرکار در بی‌اختیار ساختن بزه‌دیده دخالتی نداشته است و صرفاً شخصی را می‌یابد که مست و بی‌اختیار است و از این موقعیت سوءاستفاده می‌کند؛ چنین مصداقی، هرچند نادر، اما بسیار تأمل‌برانگیز است؛ چراکه در این حالت، زانی در بیهوش نمودن شخص دخالت نداشته و از این رو، عمل او را نمی‌توان قصد تجاوز به مزنی بها منتسب نمود، در عین حال، این حالت مانند زنا با مرده تلقی نخواهد شد؛ زیرا با تحقیق در خصوص اوضاع و اوصافی که بزهرکار در آن قرار داشته، قصد وی در انجام عمل جنسی مبرهن است. هرچند پرونده‌های کیفری شهرستان مورد مطالعه فاقد چنین طرح پرونده‌ای بوده، اما در دیگر نقاط، در اندک مواردی مشاهده شده است. چنانچه در دو پرونده مطروحه در استان مازندران در سال ۱۳۹۵، موضوع مورد رسیدگی قرار گرفته و در چند نوبت دادرسی منجر به صدور حکم و سپس تأیید آن در دیوان عالی شده است (رستمیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۴، ۱۰، ۶۹-۹۰).

تمامی آنچه گفته شد، مبتنی بر آن بود که قید قهر و غلبه در معنای غصب دخیل شمرده شود؛ لذا در صورتی که چنین لحاظی در قید مزبور مدنظر قرار نگیرد، هر سه حالت پیش‌گفته را می‌توان داخل در معنای غصب دانست؛ هر چند قائلین به این نظر باید رابطه رضایت با غصب را حل و فصل کنند.

نکته حائز اهمیت دیگری که در این بخش مؤثر و شایان توجه خواهد بود، مسئله اعتبار اعلام رضایت و محدوده رضایت بزه‌دیده می‌باشد. در یک بررسی به عمل آمده در سال ۱۴۰۰، بالغ بر ۲۰ فقره ادعای تجاوز جنسی در روابط دانشجویان دختر و پسر به ثبت رسیده است. در شکایات مطرح شده از سوی بزه‌دیدگان آمده است که گروهی از دانشجویان دختر، ابتدا به عمل جنسی با دوست غیر همجنس خود رضایت داشته‌اند، ولی در ادامه و هنگام شروع آمیزش جنسی، از رضایت خود منصرف شده و این موضوع را به طرف مقابل اعلام نموده‌اند، با این حال، علی‌رغم میل باطنی آنها عمل جنسی تداوم داشته است. گروه دیگری نیز اظهار داشته‌اند که آنها صرفاً با

ملاعبه و عمل جنسی مادون زنا موافق بوده‌اند، ولی در حین عمل، دانشجوی پسر، اقدام به انجام زنا به معنای اخص آن نموده است (میرتبار و همکاران، ۱۴۰۲: ۹، ۱۷، ۳۷-۶۲). از این رو، اعتبار و محدوده رضایت اهمیت ویژه‌ای برای قانون‌گذار دارد به گونه‌ای که حتی در رابطه زناشویی نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. در قوانین برخی از کشورها نیز آمیزش جنسی، یک عمل مستمر دانسته شده و هرگاه زن در هر لحظه از آن عدم رضایت خود را ابراز نماید، ادامه رابطه از سوی مرد می‌تواند تجاوز جنسی محسوب شود. این موضوع در قانون جرایم جنسی مصوب سال ۲۰۰۳ میلادی انگلستان مورد پذیرش قرار گرفته است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۷۹). مطابق بررسی پژوهشگران این تحقیق، آرای قضات دادگاه‌ها در دو شهرستان گرمسار و ایوانکی، نشان می‌دهد که صرف وجود رضایت اولیه به عمل جنسی از سوی بزه‌دیده، بدون توجه به حدود و اعتبار آن در زنا، مقوله‌ی «عنف را از بین می‌برد». فلسفه این استدلال بر این است که هرچند رضایت به عمل جنسی، ملازمتی با رضایت دادن به زنا به معنای اخص آن ندارد، ولیکن در صورت تحقق زنا، مزنی بها تنها می‌تواند خسارت خود را از باب عدم رعایت حدود رضایت خود از جانب زانی اخذ نماید. لذا اگر زانی به زنی مادون ازاله بکارت رضایت داده باشد، مانند زنی از دبر، وی مستحق ازش ازاله بکارت خویش خواهد بود. اهمیت این نظر در پاسخ به پرسش‌نامه ۱۰ نفر از شاکیان مورد مطالعه به چشم می‌خورد. در پژوهشی مشابه نیز همین رویه قضایی طی شده است (کشاورز و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳، ۲، ۲۶۱-۲۸۰).

۲-۲- چالش محدودیت در تحقیق

محدودیت در تحقیق جرایم جنسی، دیگر چالش پیش روی مقام تعقیب در مرحله رسیدگی است. این مسئله شامل محدودیت در منابع و روش‌های تحقیق و نیز محدودیت در استفاده از روش‌های علمی کشف جرم می‌شود. ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرایم جنسی که نقض کننده عفت عمومی هستند را مستقیماً در صلاحیت دادگاه قرار داده است. همچنین صلاحیت رسیدگی به زنی مستوجب اعدام و رجم در صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌باشد. ممنوعیت دادرسی و پلیس از تحقیق در این جرایم، منجر به این شده است که تحقیقات پلیسی تنها به موارد ارجاع شده از سوی دادگاه محدود گردد و پلیس نتواند از همه ابزارهای خود جهت احراز حقیقت استفاده نماید؛ به خصوص اینکه در اغلب دادگاه‌های کیفری یک تشکیل شده در غیر مراکز استان‌ها، قضات دارای ابلاغ مخصوص این‌گونه دادگاه‌ها نبوده و علاوه بر ابلاغ اصلی برای دادگاه کیفری، دارای ابلاغ اضافی جهت رسیدگی به این‌گونه جرایم بوده‌اند (رستمی و قربان‌پور، ۱۴۰۱: ۵۰-۵۷). آنچه در این مقام قابل توجه است، رسیدگی قضات و ضابطین مرد به چنین پرونده‌های کیفری است. عمده قربانیان که در مرحله تحقیق و کشف جرم با یک رئیس و دو مستشار و یا ضابطین انتظامی روبه‌رو می‌شوند، به دلیل شرم و حیا و خجالت ناشی از این جرم، از بیان کامل حقایق و جزئیات جرم، امتناع می‌ورزند. به خصوص آنکه دادرسی برای احراز تجاوز، ناچار به طرح پرسش‌های بسیار شخصی و محرمانه است (زراعت پیشه، ۱۴۰۱: ۴۰). نتیجه مصاحبه پژوهشگران تحقیق با شاکیان پرونده‌های کیفری شهرستان مورد مطالعه نشان می‌دهد که اغلب بزه‌دیدگان (۷۵ درصد) از پرسش دادرسان و ضابطین مرد در مرحله تحقیق و کشف جرم شرمگین بوده و

احساس خجالت و تحقیر نموده‌اند، لذا قادر به پاسخ‌گویی صریح و صحیح به پرسش‌ها و حتی شرح جزئیات رخداد نبوده‌اند.

محدودیت دیگری که در حوزه تحقیق وجود دارد و همواره قضات و ضابطین را با چالش مواجه نموده، عدم وجود نظم در نوبت کاری اداره پزشکی قانونی است. اگرچه پزشکی قانونی در شهرهای بزرگ به صورت ۲۴ ساعته دایر می‌باشد، اما در شهرهای کوچک و شهرستان‌های دور افتاده، پزشک قانونی صرفاً در ساعات اداری و در روزهای کاری حضور دارد. به زعم قضات مصاحبه شونده توسط پژوهشگران، گاهی اوقات برخی ضابطان قضایی نیز از اهمیت زمان در خصوص این‌گونه جرایم اطلاعی ندارند و حتی در مواردی که به آن واقف هستند، فرد شاکی را با تأخیر به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهند. این مسئله در پرونده‌های دو شهرستان گرمسار و ایوانکی به‌خوبی مشاهده شده است.

دیگر چالش بسیار مهم در مرحله تحقیق، زدودن آثار آمیزش ناشی از ناآگاهی بزه‌دیدگان است که در بسیاری از پرونده‌های کیفری مطرح شده به چشم می‌خورد. بررسی‌های میدانی و همچنین مطالعه محوری پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد بسیاری از قربانیان، پیش از واقعه تماس جنسی، هیچ‌گونه آگاهی در خصوص مواجهه با این پدیده نداشته و در نخستین اقدام پس از رخداد، جهت کاهش احتمال بارداری یا به خاطر کراهت ذهنی، خود را شسته و آثار جرم را از بین می‌برند. از آنجاکه نمونه‌گیری در لحظات نخست پس از واقعه جنسی به میزان زیادی حائز اهمیت است، لذا مراجعه با تأخیر قربانیان به پزشکی قانونی، دسترسی به مهم‌ترین دلیل اثبات تجاوز به عنف را غیرممکن می‌سازد. از سوی دیگر، عمل جنسی به عنف، اغلب همراه با جرایم دیگر نظیر آدم‌ربایی رخ می‌دهد (مدرسی، ۱۳۹۷: ۵۵). پژوهشگران تحقیق با تعداد ۱۵ فقره آدم‌ربایی منتهی به خشونت جنسی و زنا به عنف در تحقیق‌های خود روبه‌رو بوده‌اند که بیش از نیمی از آنها فاقد برهان و دلیل نسبت به تأیید ادعای قربانیان بوده، چراکه با تأخیر در طرح شکایت قربانیان همراه بوده است.

۲-۳- چالش تفکیک سنی بزه‌دیدگان

جرایم جنسی به عنف بزه‌دیدگان کمتر از ۱۸ سال، یکی از فصول مهم در قانون مجازات اسلامی است که در تعبیر حقوق دانان با عنوان کودک‌آزاری ترکیب یافته است (مدنی، ۱۳۹۰: ۲۴).

قانون‌گذار، زنا با دختر نابالغ را در صورتی در حکم عنف قرار داده که از طریق اغفال و فریب دادن یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن موجب تسلیم شدن او شود. این در حالی است که کودکان نابالغی که با رضایت اقدام به عمل جنسی با شخص دیگری می‌نمایند، در این تعریف جایی ندارد. گویی هرچند قانون‌گذار به مفهوم عرفی تجاوز نزدیک شده، اما نگاهی جامع نسبت به موضوع نداشته است. ظاهراً برای قانون‌گذار قابل پذیرش است که دختری با سن کمتر از نه سال قمری با میل و رضایت شخصی و آگاهانه وارد یک رابطه جنسی شود، به منزله تعدی به عنف قرار نگیرد. هرچند که او به قوه عقلانی دست نیافته است. حتی قانون‌گذار در مورد تجاوز به کودکان مذکر نیز سکوت نموده است (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۹۸). برخی معتقدند که کودک و به‌ویژه غیرممیز، اراده و اختیار و قوه تمیز را ندارد تا رضایت او معتبر باشد و زنا با او در هر صورت زنا به عنف و اکراه است (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۹۷).

لذا چالش اساسی در زنا با صغیر، ضرورت تحقیق و بررسی درباره نوع فریب و حيله و اکراه و تأثیر آن در اراده کودک است. استلزام این ضرورت، احراز زایل شدن عنصر رضایت در صغیر است. در غیر این صورت، زنا با صغیر تحت هر شرایطی، به عنوان زنا با عنف تلقی می‌گردد، حتی با وجود رضایت کودک؛ چراکه در مورد صغیر و به خصوص صغیر غیرممیز، اصولاً رضایت معتبری وجود ندارد تا بتوان بر اساس زایل شدن آن به واسطه اکراه یا فریب، زنا را غیرعنف دانست. این مهم در ارزیابی آرای قضات و دادرسان مراجع قضایی شهرستان‌های محل تحقیق به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که قضات در پرونده‌های کیفری ارجاع شده، این نکته را ملحوظ نموده و حکم به تجاوز عنف داده‌اند.

همچنین در خصوص نوجوانان بین ۹ تا ۱۸ سال، این موضوع قابل بحث است. در تحقیق صورت گرفته، برخی از بزه‌دیدگان در این فاصله سنی، اگرچه به اکراه مورد عمل جنسی قرار نگرفته‌اند، ولی مصداق اغفال، فریب و حيله را داشته‌اند. این در حالی است که بر اساس تفسیر ماده ۲۲۸ قانون مجازات اسلامی، به نظر می‌رسد صرفاً برقراری رابطه جنسی با یک دختر نابالغ از طریق فریب دادن او، تجاوز جنسی قلمداد شده و هر دختر و زنی ممکن است بدون توجه به سنش مورد فریب و اغفال قرار گرفته و به رابطه جنسی تن دهد؛ حال اینکه عمل جنسی صورت گرفته با صغیر ولو بدون عنف همانند عمل جنسی از روی رضایت با زن بالغ نمی‌باشد (اکرمی، ۱۳۹۵: ۳، ۱، ۳۳-۶۵).

۲-۴- چالش تعریف تجاوز جنسی

تجاوز جنسی در حقوق و قوانین جزایی ایران، تنها به دخول آلت تناسلی در دبر یا قبل فرد مؤنث اطلاق می‌شود و خشونت‌های جنسی دیگر ممکن است مشمول ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی باشد. همچنین تجاوز در قالب عمل لواط صرفاً در حدود تعریف شرعی و قانونی آن ممکن بوده و هرگونه خشونت جنسی دیگر نسبت به فرد مذکر در قالب تفخیز یا همجنس‌گرایی جرم انگاری شده که مجازات آن شلاق است؛ این در حالی است که گاهی اوقات، شخص مرتکب تجاوز، هنگامی که با مقاومت مجنی‌علیه مواجه می‌شود و به حسب شرایط مکانی و زمانی و استرس ارتکاب جرم، فرصت کافی برای انجام دخول به معنای فقهی و حقوقی را ندارد، سعی می‌کند با استفاده از راه‌ها و شیوه‌های جایگزین همچون دخول دهانی، هیجان جنسی خود را ارضا نماید (کارخیران، ۱۴۰۲: ۱، ۶۹).

همچنین در سایر موارد ممکن است در جرایم جنسی که از روی انتقام صورت می‌گیرد، مرتکب بیش از آنکه برای برطرف نمودن هیجان جنسی اقدام به این عمل نماید، بیش‌تر درصدد ایجاد یک خشونت جنسی بر روی بزه‌دیده است که در قالب فرو بردن اشیاء یا دیگر اندام خود در آلت تناسلی بزه‌دیده اعمال می‌شود (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

در تحقیق صورت گرفته حاضر، پژوهشگران به مستندات سه فقره پرونده کیفری برخوردند که نشان می‌داد، تجاوزی که وصف عنف را داشته، در قالب زنا یا لواط به معنای رایج در فقه و حقوق نبوده است که این عدد در برابر کل پرونده‌های مطالعه شده، آمار بالغ بر ۳ درصد را نشان می‌دهد. همچنین در هشتاد درصد پرونده‌های

کودک‌آزاری، در بزه‌دیده صغیر، موضوع دخول تحقق نیافته است، بلکه کودک به روش دیگری مورد عمل جنسی به عنف قرار گرفته است.

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته در این تحقیق، بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنها، مجازات موجود در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی را برای زمانی که عمل جنسی به عنف صورت گرفته، ولی مشمول عنوان فقهی لواط و زنا نشده، کافی نمی‌دانستند؛ چراکه از نظر ایشان، آثار روانی، عاطفی و اجتماعی این بزه، آنچنان گران و پلید است که صرفاً با مجازات شلاق بزهکار، آسیب بزه‌دیده التیام نمی‌بخشد.

بنابراین چالش جدی در این خصوص، عدم وجود یک تعریف مشترک از عمل جنسی به عنف و تمایز آن با تجاوز به عنف برای محاکم می‌باشد که سبب گردیده مراجع قضایی با متجاوزان عمل جنسی به عنف، بنا به برداشت خود از قبح عمل برخورد نمایند.

۲-۵- چالش توجه به وضعیت ظاهری و سوابق بزه دیده

طی ملاحظات حقوق جزایی، وضعیت ظاهری و سوابق بزه‌دیده به عنوان یکی از ملاک‌های قابل توجه جهت انتساب تقصیر به بزه‌دیده در نظر گرفته می‌شود. در پژوهشی که در سال ۱۴۰۲ انجام شده است، نود و شش درصد از بزه‌دیدگانی که به عنوان زنان خیابانی یا با سابقه کیفری خاص مورد عمل جنسی به عنف قرار گرفته‌اند، هنگام طرح شکایت، اظهارات آنها از سوی ضابطین قضایی به صورت جدی در نظر گرفته نشده یا اصلاً شکایت آنها رسیدگی نشده است؛ به خصوص آنکه تحقیقات نشان می‌دهد احساس ناامنی زنان با مردان تفاوت داشته و در این میان، زنان بیش از مردان احساس ناامنی می‌کنند (یاوری و فصیحی و حیدرنازاد، ۱۴۰۲: ۱۸، ۶۹، ۳۱-۵۴). در این‌گونه موارد، اگرچه بزه‌دیده در تحمل جرم و تجربه زیان‌دیدگی، به نوعی مرتکب کوتاهی یا تحریک شده، اما کاربرد واژه تقصیر، متضمن مسئولیت است و بالطبع، بحث ضمانت اجرای مدنی یا کیفری بزه‌دیده مقصر را مشمول ضمانت اجرا نمی‌کند. به‌هرحال، بزه‌دیده تجاوز به عنف می‌تواند در بزه‌دیدگی‌اش نقش داشته باشد (شام بیاتی، ۱۳۹۶: ۵۲۴).

اما چالش موجود در این بخش، زمانی مطرح می‌گردد که این گروه از بزه‌دیدگان به مراتب مورد عمل جنسی به عنف قرار می‌گیرند. تحقیق از نمونه‌های مورد پرسش، نشان داده است که تمامی بزه‌دیدگان خیابانی یا دارای سابقه کیفری خاص، بیش از دو بار مورد عمل جنسی به عنف قرار گرفته‌اند که در آن رضایت داوطلبانه وجود نداشته است و از آنجایی که بزهکاران از عدم افشای جرم توسط بزه‌دیده و امکان ادامه این روند مجرمانه، اطمینان خاطر دارند، چنین رفتاری را ادامه می‌دهند. اگرچه برخی از قضات تحقیق معتقدند که بعضی از زنان به دلیل عملکرد خود، مقصر در وقوع چنین جرمی هستند، ولی این استدلال رایج، جرم متجاوز جنسی به عنف را به‌هیچ‌عنوان توجیه نمی‌کند. چنین منطقی هیچ مسئولیتی در باب مرتکبان تجاوز به عهده نمی‌گیرد و از شخصیت حقوقی زنان می‌کاهد.

برآمد

اثبات همه اجزای رکن مادی تجاوز جنسی، مستلزم ارائه ادله اثبات می‌باشد. با این حال، دو دلیل شهادت شهود و اقرار، از دلایل ناکارآمد در اثبات دعوی تجاوز جنسی به شمار می‌روند؛ زیرا وجود قیود فراوانی بر این دو دلیل

که از سوی شارع و قانون‌گذار مقرر شده، بر توان اثباتی آنها تأثیر گذاشته است. علاوه بر آن، اغلب نزدیک به عموم تجاوزهای جنسی در پنهان و دور از دیدگان سایرین واقع می‌شود و اساساً امکان شهود را منتفی می‌سازد. همچنین اگرچه بررسی‌های پزشکی قانونی در اثبات وقوع جرم، راه‌کار متقنی به شمار می‌رود، ولی چون معمولاً طرح شکایت از سوی بزه‌دیدگان و قربانیان تجاوز که به مراجع قضایی مراجعه می‌نمایند، با تأخیر همراه می‌باشد، اثبات مسئله از این طریق را نیز با چالش و محدودیت مواجه می‌سازد. صرف‌نظر از امکان اثبات یا عدم اثبات تجاوز به عنف، تشخیص رضایت شاکیان به سهولت ممکن نیست.

آنچه در این میان، حائز اهمیت است، وجود شکل متفاوتی از عنف و اجبار در این‌گونه جرایم می‌باشد؛ چراکه در اکثر موارد، بزه‌دیده با تمایل خود و به قصدی خارج از ارتباط جنسی نزد بزه‌کار حاضر شده و در محیطی خالی از شهود مورد تجاوز و یا خشونت جنسی قرار می‌گیرد. تفسیرها و برداشت‌های ارائه شده از این جرم در نظام تقنینی و رویه‌های عملی نهادهای قضایی ایران، بیان‌گر سیطره گفتمان جنسیتی خاص در این حوزه است و عدم رعایت اصل تناسب در تعیین ضمانت اجراهای کیفری موجبات تضييع حقوق قربانیان این جرم را به دنبال داشته است.

با توجه به اینکه مهم‌ترین چالش در موارد شش‌گانه بر اساس بررسی‌های نظری و میدانی، چالش تفسیر رضایت می‌باشد، لذا در مقام اجرا، قانون‌گذاری در خصوص توسعه معنای عنف و البته به همان نحو، تنوع در تعیین مجازات‌ها ضروری به نظر می‌رسد. به این معنا که علاوه بر بازنگری در تبیین معنای تجاوز به عنف، قانون‌گذار می‌بایست در مجازات خاص آن نیز، نحوه تحقق رضایت را در نظر بگیرد. از این‌رو، در هر مرحله از فعالیت جنسی که عدم رضایت از سوی مفعول، اعلام گردید، موضوع عنف تحقق‌یافته و مجازات خاص به تبع آن مرحله تعیین گردد. از سوی دیگر، مسئله رضایت در کودکان کمتر از شانزده سال که ثبوت تعقل و شعور در ایشان، مبرهن نیست، به مثابه عدم رضایت تلقی گردد و هرگونه آمیزش جنسی با ایشان توسط افراد بالغ بالای ۱۸ سال سن به منزله عنف محسوب شود.

فهرست منابع

۱. آزمایش، علی، **تقریرات فصل تعزیرات**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۵
۲. آشوری، محمد، **عدالت کیفری (مجموعه مقالات)**، تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ اول، ۱۳۷۶
۳. اکرمی، روح‌الله، **عنصر عنف در زنا از منظر فقه، حقوق جزای ایران و انگلیس**، نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۳ (۱)، ۱۳۹۵
۴. برهانی، محسن و دادجو، مهسا، **مفهوم و جایگاه عنف در حقوق کیفری ایران**، تهران: انتشارات دادگر. چاپ اول، ۱۳۹۶
۵. توجهی، عبدالعلی، **جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. چاپ اول، ۱۳۷۷
۶. توجهی، عبدالعلی و توکل پور، محمدادی، **وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات**، نشریه پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۲ (۲)، ۱۳۹۰

۷. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۹
۸. جعفری، مجتبی، جامعه‌شناسی حقوق کیفری رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲
۹. جویان، علی‌رضا، دیدگاه پزشکی قانونی در تشخیص و احراز سو استفاده جنسی، نشریه مجله قانونی ایران. ۲ (۶)، ۱۳۹۴
۱۰. چلبی، ارژنگ، تحلیل حقوقی جرم شناختی تجاوز به عنف، آموزه‌های حقوق کیفری، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۰
۱۱. حدادی، فاضل، تعدی جنسی به بیهوش؛ نقد ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، نشریه رسائل بهار. ۲ (۲)، ۱۳۹۲
۱۲. حسینی، ناهید، واکاوی تجربه زیستی زنان قربانی تجاوز جنسی، نشریه پژوهشنامه زنان. ۱۴ (۴۵)، ۱۴۰۲
۱۳. خاقانی فرد، میترا، خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۷
۱۴. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات موسسه پژوهش‌های شهر دانش. چاپ دوم، ۱۴۰۲
۱۵. خمسه، علی‌اصغر، مصادیق بزه پوشی در اسناد و قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی نظارت و بازرسی. ۶ (۶۳)، ۱۳۹۷
۱۶. داسگوپتا، شمیتا، شاهد تن؛ خشونت بنیادین علیه زنان جنوب آسیایی ساکن ایالات متحده، ترجمه بنفشه جوادی الیادرائی. تهران: انتشارات جامعه شناسان. چاپ اول، ۱۳۸۹
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷
۱۸. دیانتی، عبدالله و سوری، احمد و حبیب زاده، احمد و نجفی، مرتضی و قنبری باغسیاه، علی، الگوی تحلیل شخصیت جنایی مجرمان جرایم خشن در جرم یابی، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۸ (۷۰)، ۱۴۰۲
۱۹. رستمی، هادی و قربان پور، ناصر، دادرسی در جرایم جنسی (چالش‌ها و راه‌کارها)، تهران: انتشارات صدرا. چاپ اول، ۱۴۰۱
۲۰. رستمیان، آفاق و رحمانی فیروزجاه، علی و عباسی اسفجیر، علی‌اصغر، مطالعه جامعه‌شناختی آزاد جنسی زنان در استان مازندران. نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۱۰ (۴)، ۱۴۰۰
۲۱. رمضان نرگسی، رضا، تجاوز و بزه دیدگی زنان، تهران: انتشارات سپهر. چاپ اول، ۱۳۸۳

۲۲. زراعت‌پیشه، رویا تجاوز جنسی. تهران: انتشارات میزان. چاپ اول، ۱۴۰۱
۲۳. شام بیاتی، هوشنگ، **قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ هفدهم، ۱۳۹۶
۲۴. شهری، غلامرضا، **نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱**، تهران: شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور، چاپ سوم، ۱۳۸۰
۲۵. عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد، **المقنعه**، قم: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸
۲۶. علی‌آبادی، عبدالحسین، **حقوق جنایی**، تهران: انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۸
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، تهران: انتشارات اسوه، چاپ پنجم، ۱۳۸۳
۲۸. قربان نیا، ناصر، **ملاحظات در باره قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول، ۱۳۹۲
۲۹. کارخیران، محمدحسین، **کامل‌ترین مجموعه محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات آریاداد، چاپ پنجم، ۱۴۰۲
۳۰. گلدوزیان، ایرج، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دهم، ۱۳۹۶
۳۱. مالجو، محسن، **تجاوز به محارم و بستگان سببی و نسبی: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه دیده**، نشریه رفاه اجتماعی، ۳۴ (۱)، ۱۳۹۸
۳۲. مدرسی، محمد، **راه‌های اثبات تجاوز به عنف**، تهران: انتشارات حقوقی سفیر. چاپ اول، ۱۳۹۷
۳۳. مدنی، سعید، **آسیب‌شناسی حقوق کودکان در ایران با نگاهی به پدیده کودک‌آزاری**. تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۴
۳۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: انتشارات کتاب، چاپ اول، ۱۴۱۹
۳۵. منصورآبادی، عباس، **بار اثبات شرایط مساعد به حال متهم در علوم جنایی**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۹۲
۳۶. موسوی (سید مرتضی)، علی بن حسین، **الانتصار لما انفردت به الامامیه**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم
۳۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله، **تحریر الوسیله**، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)؛ چاپ اول، ۱۳۶۸
۳۸. میرمحمدصادقی، حسین، **جرایم علیه اشخاص**، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۲
۳۹. میرتبار، سید مرتضی و فتاحی، نسرین و عیوضی، یاور و ادیسی، علیرضا، **مطالعه عوامل مؤثر در انحرافات جنسی دانشجویان ایرانی**، دو فصلنامه سبک زندگی اسلامی. ۹ (۱۷)، ۱۴۰۲

۴۰. ناهیدی، فاطمه و خادمی، نسیم و اریسیان، محمد و پورحسینقلی، اسما. فراوانی اضطراب در قربانیان تجاوز جنسی نشربه سلامت و مراقبت، ۱۷ (۴)، ۱۳۹۴
۴۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمیدرضا، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۴۰۱
۴۲. نفیسی (ناظم‌الاطبا)، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: انتشارات خیام، چاپ اول، ۱۳۴۳
۴۳. هاشمی، حسین، بررسی تطبیقی جرایم جنسی در حقوق کیفری ایران و انگلیس، قم: انتشارات اسلامی. چاپ اول، ۱۳۸۹
۴۴. یاوری، علیرضا و فصیحی، بهمن و حیدرنژاد، علیرضا، الگوی عوامل زمینه‌های احساس ناامنی اجتماعی مبتنی بر رویدادهای خشن، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۸ (۶۹)، ۱۴۰۲